زندگی در ۲ متر جا، کار در ناکجا

شرکت‌های کاریابی در ترکیه شما را به کجا می‌برند؟

عکس: ایرنا

مریم طالشی

یونس از شکم نهنگ گریخته. جانش را برداشته و برگشته. مثل غریقی که نجات یافته اما هنوز شوری و تلخی آب را در جانش مزه مزه می‌کند.

سال‌های کار در عسلویه، صورتش را آفتاب سوخته کرده. تارهای سفید لابه‌لای موهای انبوه مشکی به چشم می‌آید. ۳۴ ساله است، اهل فسا. حالا مدتی است تهران زندگی می‌کند. خیال دارد دوباره برای کار به عسلویه برگردد. عطای کار در ترکیه را به لقایش بخشیده.

سیگار بهمن را از جیبش بیرون می‌آورد، قبل از اینکه آتش کند، می‌پرسد: «اشکالی نداره که؟» سرم را تکان می‌دهم. دود، تصویرش را محو می‌کند. یونس یکی از همان‌هایی است که با تبلیغات پرآب و تاب شرکت‌های کاریابی، راهی ترکیه شده.

تخصصش جوشکاری است. سابقه‌اش در این کار بالاست. ۱۰ سال عسلویه کار می‌کرده، قبلش هم در شیراز. می‌گوید نمی‌خواهد اسم مستعار بنویسید، اسم خودم را بیاورید؛ یونس مشیری: «من هم مثل خیلی‌های دیگر فریب خوردم. توی تبلیغات خیلی خوب پرزنت می‌کنند. انگار آدم را روانشناسی می‌کنند. جوری حرف می‌زنند که خیال می‌کنی دیگر بهتر از این نمی‌شود. می‌گویند خودمان ترتیب رفتن‌تان را می‌دهیم و به کارفرما معرفی‌تان می‌کنیم. مدرک خاصی ازت نمی‌خواهند.

می‌گویند اگر تخصص داشته باشی، کافی است. بیشتر جوشکار و مبلکار می‌خواهند، خیاط هم همین‌طور. منتها جوشکار بیشتر از همه مورد نیاز است. شرکت پاسپورت را می‌گیرد تا بلیت تهیه کنند. پول بلیت و باقی هزینه‌ها البته پای خودمان است. شرکت یک میلیون تومان کمیسیون هم از متقاضیان دریافت می‌کند. البته این کمترین کمیسیونی است که می‌گیرند. تا ۲ میلیون تومان هم شنیده‌ام که از متقاضیان می‌گیرند. من مدارک و پول کمیسیون را دادم و بهم گفتند خبرت می‌کنیم. البته اینکه می‌گویم شرکت، یک اتاق ۴ متری در یک دفتر بازرگانی بود. بعد از چند وقت تماس گرفتند و گفتند فلان روز حرکت است.

من به همراه چند نفر دیگر بودم. آنها هم شرایط من را داشتند. اول گفتند یک نفر در فرودگاه آتاتورک استانبول می‌آید دنبال‌تان. بعد گفتند خودتان با تاکسی بروید میدان ساعت، آنجا دنبال‌تان می‌آیند. ما همین کار را کردیم، از فرودگاه رفتیم میدان ساعت. فکر می‌کردم کسی دنبال‌مان می‌آید که کارکشته و به چم و خم کار وارد است اما او هم یکی مثل خودمان بود که دو هفته زودتر از ما به استانبول رفته بود. او ما را از آنجا به خوابگاه برد. شرکت در تهران به ما گفته بود تا زمانی که سر کار برویم، هزینه اقامت‌مان با آنها خواهد بود. البته خورد و خوراک پای خودمان است. خوابگاه یک اتاق ۳ در ۶ بود برای ۹ نفر. یعنی ۲ متر برای هر نفر. شرایطش آنقدر افتضاح بود که دلت نمی‌خواست پا داخلش بگذاری اما دیگر چاره‌ای نداشتیم. فردا همراه یک نفر برای معرفی به کارفرما رفتم جوشکاری اسکلت ساختمان. کارفرما ترکی حرف می‌زد. می‌گفت من ۶ ماه پیش نیرو می‌خواستم. نفرِ شرکت فکر می‌کرد من ترکی بلد نیستم، به روی خودم نیاوردم. فردایش دوباره به کارگاه دیگری رفتیم؛ آنجا هم نیرو نمی‌خواستند و دوباره همان جریان تکرار شد.

آدم شرکت گفت تو تخصص لازم را نداشتی و جایی برای کار قبولت نمی‌کنند. از فردا باید پول پانسیون را بدهی و خودت فکر کار باشی، یا آن کاری را بکنی که ما برایت پیدا می‌کنیم. اعتراض کردم و گفتم تخصص من جوشکاری است. در ضمن من ترکی متوجه می‌شوم و فهمیدم کارفرماهایی که پیش‌شان می‌رفتیم اصلاً کارگر نمی‌خواستند. همین باعث شد که عذرم را بخواهند. چند روز آواره بودم تا از طریق یک آشنا، کاری پیدا کردم؛ یک کارگاه ساختمانی. تازه چون آشنا معرفی کرده بود با ماهی ۲ هزار و ۳۰۰ لیر مشغول شدم که نسبت به بقیه کارگران خارجی، حقوق بالایی می‌گرفتم در حالی که کارگر ترک، بابت همان کار ۶ هزار لیر می‌گرفت. من در عسلویه بیشتر از اینها می‌گرفتم اما به خاطر شرایط خودم دوست داشتم از ایران دور باشم. با چند نفر اتاق اجاره کرده بودم و دو ماه کار کردم. یکی از روزها کارفرما گفت همین امشب باید بروید. کار ما به هرحال غیرقانونی و بدون مجوز بود. از آنجا هم آواره شدم. نمی‌خواستم دست خالی پیش زن و بچه‌ام برگردم. سرتان را درد نیاورم، حتی با وعده کار، نزدیک بود در دام گروه‌های خلافکار بیفتم. یک بار حتی تا پای مرگ رفتم. آنجا داعش هم خیلی راحت روی کارگرهای خارجی حساب باز می‌کند و برایشان تبلیغ می‌کند.»

یونس حالا به ایران برگشته. به قول خودش اندک اندوخته‌اش را هم بابت هزینه‌های زندگی در استانبول از دست داده و کلاهش هم که آن طرف‌ها بیفتد، دیگر نمی‌رود برش دارد.

سلیمان، ۲۵ ساله ترکمن است. او هم تجربه کار در ترکیه را دارد. می‌گوید: «شرکت برای اینکه خیال متقاضی را بابت کار راحت کند، کانال تلگرامی درست کرده و فیلم کسانی را که برای کار رفته‌اند، آنجا می‌گذارد. کسانی که راضی هستند و دیگران را دعوت می‌کنند برای کار به ترکیه بروند. من کارگاه مبل‌سازی کار کرده بودم. گفتند مبلکار آنجا خیلی مورد نیاز است. یک میلیون و نیم کمیسیون دادم و به استانبول رفتم. آنجا گفتند اگر ترکی بلدی، می‌توانی راحت با کارفرما کار کنی. من مشکل زیادی نداشتم. برای کار مبل‌سازی قبولم نکردند البته گفتند مهارتت کم است و به درد ما نمی‌خورد. گفتند باید کار دیگری بکنی. به کارگاه تولید پوشاک معرفی‌ام کردند. آنجا کارم این بود که لباس‌ها را تا بزنم یا لباس‌هایی که زده‌دار است، از لباس‌های دیگر جدا کنم. چند نفر دیگر ایرانی هم آنجا بودند. آنها خیلی پیشرفت کرده بودند و روی شلوار جین، زاپ می‌زدند و سنگشور می‌انداختند. بابت کارم در آن کارگاه، از هفت صبح تا هفت و نیم شب، ماهی هزار لیر دستمزد می‌گرفتم. کرایه اتاق و خورد و خوراک هم که از آن کم می‌شد، در واقع چیزی نمی‌ماند. تازه با ترس و لرز هم باید گذران می‌کردیم.

ترکیه که ویزای کار به ما نداده بود. اگر یک بار آدم را بگیرند، دیپورت می‌کنند و دیگر اجازه سفر به ترکیه را نمی‌دهند. نهایتاً ۳ ماه ماندم و کار کردم. در هر کارگاه مدت کوتاهی می‌ماندم چون اگر بفهمند کارفرما کارگر خارجی را بدون مجوز به کار گرفته، ۳۰ هزار لیر جریمه‌اش می‌کنند.» سلیمان حالا به ایران برگشته اما خیال دارد دوباره برود. یک ماه اینجا می‌ماند و بعد دوباره برمی‌گردد. شرایطش آنجا سخت است اما استانبول را دوست دارد، گرچه فرصت زیادی برای تفریح پیدا نمی‌کند.

■ بازار داغ آموزش زبان ترکی استانبولی

سر کلاس کنار هم می‌نشینند. با هم به درس گوش می‌دهند. با هم عبارت‌ها و جمله‌ها را تکرار می‌کنند و تمرین‌های حل شده را با هم مرور می‌کنند. اشکالات هم را می‌گیرند و سؤالات‌شان را از استاد می‌پرسند. زندگی اما برای هر کدام‌شان یک جور است. یکی دلش می‌خواهد سریال‌های ترکی را پیش از آنکه در شبکه فارسی زبان آنور آبی پخش می‌کنند، با زبان اصلی ببیند. یکی دنبال این است که هرجور شده با یک سلبریتی ترک سر دوستی باز کند و شاید اگر قسمت شد، پایش به سرزمین رؤیاهایش باز شود و ستاره احتمالی سریالی شود. یکی می‌خواهد زبان ترکی استانبولی‌اش قوی شود تا در سفرهای متعددش برای خرید جنس، دچار مشکل نشود؛ آخر ترک‌ها زیاد انگلیسی بلد نیستند.

برای محمد اما همه‌اش یک چیز است؛ ترکی یاد بگیرد تا برود ترکیه کار کند. ۲۸ ساله است، میانه اندام. لیسانس حسابداری دارد. بوتیک‌دار است. می‌گوید: «اینجا کارم خیلی کساد شده. از وقتی که پای برندهای ترک به ایران باز شد، مشتری‌های ما به شکل قابل‌توجهی ریزش کرد. دوستم استانبول است، می‌خواهم سرمایه‌ام را جمع کنم و بروم آنجا کار پوشاک کنم. کسی را هم پیدا کرده‌ام که یک جورهایی با هم شراکت کنیم؛ ترک است. می‌خواهم زبانم را قوی کنم که به مشکلی برنخورم. من خودم یک شاگرد در مغازه داشتم که رفت ترکیه برای کار. آنجا کار بسته‌بندی پوشاک می‌کند. در بخش نساجی کار زیاد است. البته کسانی که به عنوان کارگر ساده می‌روند، وضع‌شان فرق دارد اما اگر سرمایه ببری و کاری راه بیندازی، اتفاقاً خیلی هم استقبال می‌کنند.» محمد خیال دارد قانونی برای کار برود. می‌گوید: «می‌دانم که خیلی‌ها همین طوری می‌روند و مجوز کار در آنجا را ندارند. من تلاش می‌کنم هرطور شده قانونی بروم. صبر می‌کنم تا کارم درست شود. فعلاً یک سر می‌روم و شرایط را می‌سنجم تا ببینم چه می‌شود.»

گرفتن مجوز کار در ترکیه اما به این راحتی‌ها نیست؛ خصوصاً برای کارگران. گرچه اغلب شرکت‌های کاریابی این را به شما نمی‌گویند. بیشترشان از طریق سایت و یا کانال‌های تلگرامی به تبلیغات می‌پردازند. بعضی وقت‌ها حتی شرکتی در کار نیست. افراد خودشان مجزا به جذب متقاضیان کار اقدام می‌کنند و متقاضیان جذب شده را به شرکت‌ها معرفی می‌کنند و پورسانت‌شان را می‌گیرند. با یکی از شماره‌ها تماس می‌گیرم، جواب نمی‌دهد. بلافاصله پیامک می‌آید: «لطفاً از طریق تلگرام، ارتباط برقرار کنید.» عکس پروفایلش، یک صفحه زرد با لوگوی ساده است که یک شماره تلفن اعتباری زیرش به چشم می‌خورد. نمی‌دانم کسی که آن طرف خط است، مرد است یا زن. شرایط برای اعزام به کار را سؤال می‌کنم و بلافاصله یک لیست کپی شده برایم فرستاده می‌شود: «خدمات ما به نیروهای اعزامی به کار: ۱- مشاوره کار، انتقال کارجو به اسکان موقت و محل کار ۲- اجازه کار از کارفرما برای ۳ ماه اول و مشاوره و معرفی ضامن جهت اخذ ویزای اقامت یکساله. ۳- مشاوره در صورتی که دنبال محل جهت اجاره یا شغل مناسب هستید. ۴- ضمانت حقوق دریافتی و ضمانت کاری و اجتماعی تا مدت زمانی که در کارگاه معرفی شده مشغول به کار هستید.»

همچنین لیستی از مشاغل مورد نیاز بلافاصله پشت بند پیام اول فرستاده می‌شود؛ مشاغلی همچون کارگر ساختمانی، جوشکار آهن و اسکلت، نجار، مبل‌ساز، نگهبان، گارسون، قالیشو، کارت پخش کن، کارگر کارواش و کارگر ساده اتوکار و بسته‌بند.

سماجت به خرج می‌دهم و دوباره تماس می‌گیرم. بعد از چند بار تماس پشت سر هم بالاخره کسی تلفن را جواب می‌دهد. انتظار دارم بی‌حوصله باشد اما با خوشرویی جواب می‌دهد. توضیح می‌دهد که پیدا کردن کار برای خانم‌ها سخت‌تر است اما اگر زوج باشید، می‌توانید با هم در کارگاه خیاطی به عنوان چرخکار مشغول شوید یا در رستوران کار کنید. حقوقش هم بین هزار تا هزار و ۳۰۰ لیر است. در ضمن باید نفری هزار و ۵۰۰ لیر هم بابت مشاوره پرداخت کنید. اعزام‌تان هم در سریع‌ترین زمان ممکن است فقط اگر پاسپورت ندارید، زودتر بروید پلیس +۱۰ اقدام کنید.

■ ترک‌ها چه می‌گویند؟

مراد بیلماز، اهل ترکیه و شاغل در صنعت پوشاک است. سؤالات را از طریق دوستی ترک زبان برای او می‌فرستم و مراد این طور پاسخ می‌دهد: «در ترکیه کارگرهای ایرانی و افغانی زیادی برای کار می‌آیند. سه ماهه می‌توانند کار کنند و بینش فاصله بیندازند و دوباره مشغول شوند. افغانستانی‌ها بیشترشان از مرز ایران می‌آیند؛ از ماکو و مهاباد. شرایط کارشان، چه کارگران ایرانی و چه افغان اگر خیلی خوب نباشد، بد هم نیست. برای کارگر حتی اگر درآمدش کمی بیشتر از کشور خودش باشد، باز می‌ارزد. اما قوانین در موردشان سختگیرانه است. برای کسانی که سرمایه‌گذاری می‌کنند اما شرایط خوب است. خیلی‌ها آمدند اینجا مغازه زدند یا در تولیدی‌ها سرمایه‌گذاری کردند و اتفاقاً موفق هم هستند.»

بر اساس اعلام کنسولگری ترکیه در ایران، در جمهوری ترکیه، بر اساس قانون ۴۸۱۷ سه نوع اجازه کار برای خارجی‌ها پیش‌بینی شده است که عبارتند از: اجازه کار مدت‌دار، اجازه کار نامحدود و اجازه کار برای موارد استثنایی. بر اساس قوانین موجود ترکیه، خارجیان می‌توانند از هر یک از موارد فوق، به شرط به جا آوردن شرایط قید شده در قانون بهره‌مند شوند و اجازه کار گرفته و در ترکیه مشغول به کار شوند. مدت اعتبار اجازه کار مدت‌دار، بر اساس قرارداد کار، یک سال بوده و برای کار در محل کار مشخص و حرفه خاص صادر می‌شود. پس از اتمام یک سال، اجازه کار برای همان شغل و محل کار، در صورت توافق دو طرف (کارفرما و کارگر)، اجازه کار تا ۳ سال دیگر تمدید می‌شود.

پس از اتمام اجازه کار ۳ ساله، این نوع از مجوز تا ۶ سال با توافق دو طرف قابل تمدید است. همچنین در صورتی که یک خارجی حداقل ۸ سال مداوم در ترکیه اقامت داشته و شاغل باشد، اجازه کار دائم بدون محدودیت جغرافیایی برای او صادر می‌شود.

نکته اینجاست که براساس قوانین ترکیه، اتباع خارجی برای گرفتن اجازه کار در ترکیه، باید از کشور متبوع‌شان و یا کشور محل اقامت دائمی‌شان به کنسولگری‌های ترکیه در آن کشور مراجعه کرده و پرونده تقاضای کار را تکمیل کنند. این درحالی است که شرکت‌های کاریابی که عموماً به جذب کارگر در مشاغل مورد نظرشان اقدام می‌کنند، به هیچ عنوان چنین شرطی پیش پای متقاضیان قرار نمی‌دهند و به آنها وعده می‌دهند که صرفاً با در دست داشتن گذرنامه و در کمترین زمان ممکن، شرایط کار و اقامت‌شان را در ترکیه فراهم می‌کنند.

یاد ویدئویی می‌افتم که در یکی از کانال‌های کاریابی ترکیه دیدم. پسر جوانی که با ذوق و شوق حرف می‌زند و حین صحبت دست‌هایش را با هیجان تکان می‌دهد: «اینجا همه چی رله ست. بیاین بچه‌ها منتظرتون هستیم.» با خودم فکر می‌کنم همین چند جمله چطور می‌تواند دل متقاضیان را ببرد، آنقدر که صابون زندگی در خوابگاه کوچک و کثیف و کار در شرایط نامطمئن را به تن‌شان بمالند و راهی کشور همسایه شوند. یاد یونس می‌افتم که گفت نمی‌توانم جای چاقویی را که خورده‌ام، نشانت دهم این را طوری گفت که انگار از دهان نهنگ گریخته باشد.

نیم نگاه

- ■ من به همراه چند نفر دیگر بودم. آنها هم شرایط من را داشتند. اول گفتند یک نفر در فرودگاه آتاتورک استانبول می‌آید دنبالتان. بعد گفتند خودتان با تاکسی بروید میدان ساعت. فکر می‌کردم کسی دنبال‌مان می‌آید که کارکشته و به چم و خم کار وارد است اما او هم یکی مثل خودمان بود که دو هفته زودتر از ما به استانبول رفته بود. او ما را از آنجا به خوابگاه برد. خوابگاه یک اتاق ۳ در ۶ بود برای ۹ نفر. یعنی ۲ متر برای هر نفر. شرایطش آنقدر افتضاح بود که دلت نمی‌خواست پا داخلش بگذاری اما دیگر چاره‌ای نداشتیم.
- ■ شرکت برای اینکه خیال متقاضی را بابت کار راحت کند، کانال تلگرامی درست کرده و فیلم کسانی را که برای کار رفته‌اند، آنجا می‌گذارد. کسانی که راضی هستند و دیگران را دعوت می‌کنند برای کار به ترکیه بروند. من کارگاه مبل سازی کار کرده بودم. گفتند مبلکار آنجا خیلی مورد نیاز است. یک میلیون و نیم کمیسیون دادم و به استانبول رفتم. آنجا گفتند اگر ترکی بلدی می‌توانی راحت با کارفرما کار کنی. من مشکل زیادی نداشتم. برای کار مبل سازی قبولم نکردند البته. گفتند مهارتت کم است.
- ■ گرفتن مجوز کار در ترکیه اما به این راحتی‌ها نیست؛ خصوصاً برای کارگران. گرچه اغلب شرکت‌های کاریابی این را به شما نمی‌گویند. بیشترشان از طریق سایت و یا کانال‌های تلگرامی به تبلیغات می‌پردازند. بعضی وقت‌ها حتی شرکتی در کار نیست. افراد خودشان مجزا به جذب متقاضیان کار اقدام می‌کنند و متقاضیان جذب شده را به شرکت‌ها معرفی می‌کنند و پورسانتشان را می‌گیرند. با یکی از شماره‌ها تماس می‌گیرم، جواب نمی‌دهد. بلافاصله پیامک می‌آید: «لطفا از طریق تلگرام، ارتباط برقرار کنید.»

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۶۶۴۰

جدول عادی

افقی:

۱- فارسی آن هم اندیشی است- یک نوع خوردنی شیرین که سوغات شهر همدان به‌شمار می‌آید
۲- رسم کننده- دانا، فهمیده- برادر
۳- نامی دخترانه- یکی از عناصر جدول تناوبی- داروی روی زخم
۴- اندیشه‌ها- حرف ربط- غرور و خودستایی- بازگشت
۵- فاقد اعتبار- ضد مؤخر
۶- مراسم حفظ خاطره- ملیت چخوف- مایه حیات
۷- پارچه نخی- از مبارزین علیه آپارتاید- فیلمی از حسین کندری (روی پرده سینما) با نقش آفرینی باران کوثری و رضا بهبودی
۸- مقدس بودن- مخلوق و آفریده- جارزننده
۹- پسوند شباهت- شهری در تپه چغاپنجعلی- کتاب مقدس هندوان
۱۰- ضربه سر فوتبالیست- یکپارچه- اثر دیدنی ایتالیا
۱۱- رنگ مایع- خبرگزاری دانشجویان
۱۲- نوعی آینه- استخوان سر انگشت- قمر مشتری- نیکی به رخ کشیدن
۱۳- زاری- سبزی معطر- این هم سبزی خوراکی خوشبو
۱۴- لقمه شتری- شهر مرزی شمال استان آذربایجان شرقی- زیبارو
۱۵- نشان دادن مهارت‌ها و برتری‌ها- اصلاح متن

عمودی:

۱- دوران خدمت مقدس- بخشی از نظام جمهوری اسلامی ایران که کار تهیه و تصویب قوانین عمومی کشور را برعهده دارد
۲- خبره، زبردست- نیاکان- نوعی ناهنجاری کروموزومی
۳- از بخش‌های اوستا- سرزمین- پرنده‌ای با سربلوطی رنگ
۴- رشد کردن- کوچک‌ترین کشور شمال آفریقا- مظهر باریکی- دختر زئوس
۵- الهه هندو- داغ- پیش درآمد غم
۶- تاقچه قدیمی- حیا- گله گوسفند
۷- نفوذ به یک سیستم کامپیوتری- ارمغان- پول معاش و گذران زندگی
۸- خرده‌گیری- سرپرستار- مرداب شمالی
۹- نشان، رونق- کار اصلی رادارها- دستگاه نساجی
۱۰- رسم و عادت- پادشاه ساسانی- ضمیری حضور
۱۱- استوار ساختن- گونه‌ها- دیوانگی
۱۲- بهترین نوع اختیار- ماه کم حرف- تازه شکل گرفته- طول زندگی
۱۳- خرم و آراسته- در درون باید جست- تفریق عددی از عدد دیگر
۱۴- کلام درویش- پسوند اندازه- فراموشکار
۱۵- نوعی خورش ایرانی- لرزش و جنبش

جدول ویژه

افقی:

۱- شیمیدان و فیزیکدان بریتانیایی که معروفیتش بیشتر بخاطر پیشگامی او در نظریه اتمی است- تابلوی پل سزان
۲- حساب- فرماندهان- صبور
۳- چرم بز- یک ششم هر چیز- زین ساز
۴- بانگ- مقابل آری- زیور- میخ
۵- روبات انسان‌نمایی ساخت کشورمان- دیوار
۶- اکوسیستم- روستایی در استان آذربایجان شرقی- نام آذری
۷- آسیب- آهسته- سروده
۸- ضرر- سرزمین بدون کوه و تپه- جانوری که در آتش نمی‌سوزد
۹- پارچه دریایی- گل و گیاه زینتی- پرچم
۱۰- اشاره بعید- این سندروم شایع‌ترین اختلال کروموزومی در انسان است- از ایالات ینگه دنیا
۱۱- آماده سازی سپاه و تدارک و تجهیزات- پرنده مقدس افسانه‌ای
۱۲- رژه جنگی- فرض- یک و یک- سرب
۱۳- نام کوچک کاسترو- نفوذ کردن- امان
۱۴- یکدل، یکزبان- زمان طولانی- درس نویسندگی
۱۵- یکی از ابزارهای آزمایشگاهی که برای خشک کردن مواد جامد به خصوص رسوبات از آن استفاده می‌شود- مجموعه‌ای تلویزیونی به کارگردانی محمدمهدی عسگرپور

عمودی:

۱- فرودگاهی در شهر ساری- فیلم حمیدجبلی
۲- چشمداشت- مساوی- حرف مجهول ریاضی
۳- گلر فرانسه در جام جهانی ۱۹۹۸- پرسش- نوعی ساندویچ
۴- دیوار محکم- گنده- سیلی- غلط گیر اداری
۵- مقابل شمال- معلم انسان‌هاست- حرف ربط
۶- بوی کهنگی- از مردم هرات- رشته‌ای مرکب از حلقه فلزی متصل بهم
۷- مطابق روز- دیاگرام- عبوس
۸- طول- الگو- درویش
۹- فیلمی به کارگردانی بیله وودراف- آرزومند چیزی شدن- پیلی
۱۰- پرنده‌ای کوچک- منطقه‌ای مسکونی در نروژ و در اسلو- رود آرام
۱۱- غذای نذری- درس دادن- نغمه
۱۲- سرنگون کردن- حرف تأسف- لباس پوشیده- آخرین سوره
۱۳- ۲ سال پیش- کرنیست- قصد
۱۴- ویران- به‌دار آویختن- پراکنده کننده
۱۵- تعداد زیادی از مفسران ورزشی وی را برترین تنیسور تاریخ می‌دانند- روشی برای شروع مجدد بازی در ورزش راگبی

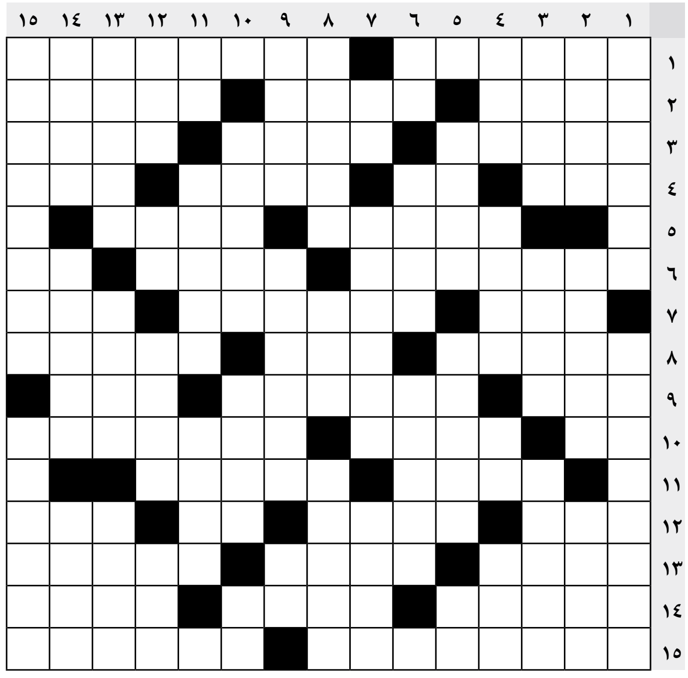

حل جدول عادی شماره ۶۶۳۹

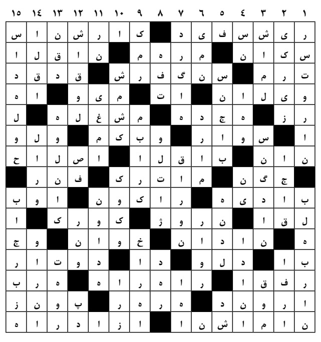

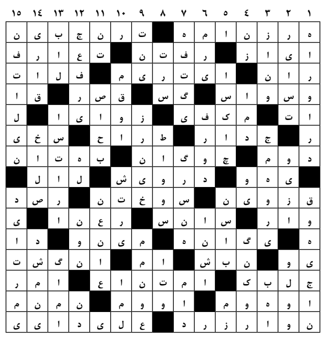حل جدول ویژه شماره ۶۶۳۹